



آمریکا دارد؟ اما نباید اینگونه بگوییم که او از هر جهتی منصف باشد و بعد طبق استانداردهای شما پیش برود و بعد می‌خواهید تعامل کنید. بگذارید یک نمونه داخلی را بگوییم. آقای رسایی با ۴۸۵ هزار و ۴۱۱ رأی به عنوان نفر سوم به مجلس رفته است. در سال ۵۸ مهندس ایشان به مجلس رفته است. حالا شما که با این رأی به مجلس رفتید از نظر خودتان عادلانه است؟ از نظر من خبر و باید فضای بازی و رقابت صورت می‌گرفت. حالا به مجلس رفتید و مرتب قانون وضع می‌کنید. ایسن قوانین هم که باعث آزار و اذیت ماهاست، مثل قانون حجاب و عفاف. یک قانون که راجع به حل مشکلات عینی کشور از آلودگی هوا بگیرید تا وضعیت بنزین و منابع آب و در خطر افتادن شهرهای تاریخی، نتوانستید برای حل این مشکلات وضع کنید. حالا شما در این موقعیت از نظر من آدم منصفی نیستید؛ آیا باید با شما جنگ کنم؟ خبر! من با شما می‌نشینم و صحبت می‌کنم. زمانی که در داخل این می‌تواند الگو باشد چرا در نظام بین الملل نباشد؟ هیچ‌کس عاشق چشم و ابروی آمریکا نیست و رابطه‌ای را که زمان شاه با آمریکا داشتیم را هیچ‌کس تأیید نکرد و به همان دلیل نوع رابطه هم انقلاب شد. الان یک رابطه عادی کاری و متعارف و خارج از خصوصیت مدنظر است، چرا باید این راه معنای غریگرای تلقی کرد؟

رسایی: شما هنوز نتوانستید از این چارچوب خارج شوید که همه چیز آمریکا نیست. اصلاً هدف شما از مذاکره چیست؟ آن طرف در هر بار مذاکره عهدشکنی می‌کند. شما به تخاصم او هم حق می‌دهید که گویی هیچ تخصصی با کشور ما نداشته، در حالی که خودش اعتراف کرده است. زمانی که انقلاب نبود و سفارت آمریکا هم اشغال نشده بود، زمانی که مصدق را به تعبیر خودشان سرنگون کردند، مگر سفارت آمریکا را کسی اشغال کرده بود؟ مشکل ما با آمریکا این است که عهدشکن است و استعمار می‌کند. آمریکا به حرف‌هایی که می‌زند وفا نمی‌کند.

زیدآبادی: حالا فقط آمریکا این کارها را می‌کند؟ همه کشورها این کارها را می‌کنند...

رسایی: اگر به این قائل هستید که همه کشورها فریبکار هستند، پس برای چه مذاکره کنید و فایده آن چیست؟ البته قائل به این نیستیم که بقیه کشورها اینگونه نیستند. در غرب هم با برخی از کشورها مذاکره انجام می‌شود، اما زمانی که تعهدی را می‌پذیرند به آن پایبند می‌شوند و ما این را چندبار تجربه کردیم. دشمنی آمریکا هم ربطی به بعد از انقلاب اسلامی ندارد، از بعد از انقلاب اسلامی تشدید شد، چرا که یک ایدئولوژی و نظامی که اساس آن‌ها را به خطر می‌انداخت را پایه‌گذاری کردیم که نیم قرن هم سرپا مانده است. در حالی که رسانه و پل دست آن‌ها بوده است و در مجامع نیز دست برتر را داشته و ۴۷ سال تلاش کرده که جمهوری اسلامی نباشد اما هست و در منطقه هم تأثیرگذار بوده، در حالی که باید پای خودش را از منطقه بکشد عقب. ما از مذاکره دنبال نتیجه هستیم و وقتی به دست نمی‌آید چرا باید همه تخم‌مرغ‌ها را در آنجا گذاشت؟ اصل مذاکره محل نزاع نیست، شکل مذاکره محل نزاع است. وقتی طرفی می‌گوید مذاکره کنیم و به وعده‌هایی که می‌دهد تضمین ندهد، شکل آن می‌شود نتیجه مذاکراتی که می‌بینیم. این نگاه خوش‌باوری مشکلی است که ما با شما دوستان داریم.

زیدآبادی: همه مواردی که ایشان می‌گوید نقض غرض است، آقای رسایی می‌گوید من حق دارم با آمریکایی‌ها از سر تخاصم بریبایم، سفارت‌شان را اشغال کنم، دیپلمات‌هایشان را گروگان بگیرم و بعد آن کشور نباید علیه کشور من توطئه کند. مگر می‌شود؟ آیا می‌خواهید این مشکل را حل کنید یا خیر؟ می‌گوید کشور سرپا است، مگر فقط سرپا بودن است؟ کشور از توسعه عقب افتاده است، سال‌هاست که نمی‌تواند نفت بفروشد، سرمایه‌خارجی جذب کند و دائم در وضعیت امنیتی به سر برده است. بنابراین با چنین وضعیتی کسی که می‌گوید مذاکره کنیم می‌خواهد که این مشکل حل شود. آمریکا کشوری است که در نظام بین الملل تأثیرگذار است و همه جاذی نفوذ است، بارها تلاش کردیده جز آمریکا و نشد، حالا روابط خصوصت‌آمیز است و می‌گوید سرپا ایستاده ایم، آیا این کفایت می‌کند؟ صحبت می‌کنیم و یا به نتیجه منجر می‌شود و یا نمی‌شود.

رسایی: [فرض کن] من آمریکا و می‌گویم انرژی هسته‌ای نداشته باشید، سوخت هسته‌ای و غنی‌سازی را من می‌دهم، تحریم‌ها را هم برمی‌دارم مذاکره می‌کنید؟

زیدآبادی: مذاکره که اینجوری صورت نمی‌گیرد. مذاکره انجام می‌شود که بین ما و شما رفع خصوصت شود. بر فرض هم چنین پیشنهادی، من می‌گویم به ازای آن چه چیزی به من می‌دهید و همه موارد را می‌سنجم و بعد قبول می‌کنم.

رسایی: بعد از شش ماه می‌گویم موشک هم نباید داشته باشید،

آن وقت چکار می‌کنید؟ می‌دانید که یک دلیل تحریم‌ها انرژی هسته‌ای است، یک دلیل آن موشک‌ها است، یک دلیل حقوق بشر است. وقتی به آن دلایل تحریم پابر جاست، پس آن‌ها دیگر تمامی ندارد و باید کلاً قطع امید کنید. مگر در دوره‌های دیگر مذاکره نمی‌کردند؟ چرا، اما اینگونه نبود، حرف ما این است که در مذاکرات داده‌ها با ستانده‌ها برابر نیست.

زیدآبادی: اساس بحث این است که آیا ایران هم مانند دیگر کشورهای جهان می‌تواند یک رابطه عادی متقابل با آمریکا داشته باشد؟ برای برقراری این روابط، اگر از ابتدا خودتان را به عنوان یک تهدید علیه کشور مقابل تعریف کنید، معلوم است که هیچ‌وقت به نتیجه نمی‌رسد. آیا در حالی که در دوره‌هایی سیاستمداران در رأس معقول بودند مثل دوران اوباما، آیا می‌شد وارد مذاکراتی شد که دو کشور از دایره تخاصم خارج شوند؟ پس از آن دیگر بحث‌ها به تبع آن حل می‌شود و حتی ممکن است حق غنی‌سازی نیز قائل شوند.

«برجام یک تعامل جزئی بود در تعامل با غرب»

زیدآبادی: بله یک شروع برای یک مسئله خاص بود که قرار بود به طور مشخص درباره همه مسائل مورد اختلاف ایران و آمریکا توسعه یابد و در مذاکراتی حل شود. اما در جایی متوقف شد و آن‌ها هم زیرش زدند. ما هم از توافق سعدآباد وقتی دیدیم به نفع‌مان نیست خارج شدیم. **رسایی:** او می‌گوید باید این را بپذیرید و شاخ شدید. الگو شدید و یمن، عراق و دیگر کشورهای به‌شما نگاه می‌کنند و من باید این شاخ را بشکنم. **زیدآبادی:** این داستان که دیگر عوض شده است، حالا که دیگر نفوذی وجود ندارد و شاخ‌شدنی که می‌گوئید با تضعیف شده است و یا از بین رفتن است. اساس حرف من این است که آیا زمینه مشترک میان منافع ایران و آمریکا وجود دارد یا خیر؟ اگر وجود دارد می‌شود روی آن‌ها کار کرد و دو کشور را از چرخه خصومت خارج کرد و روابط را عادی کرد. **رسایی:** یک موضوعی را آقای زیدآبادی اشاره کردند و می‌گویند که شما با ۴۸۰ هزار رأی نفر سوم تهران شدی و مهندس بازرگان اول انقلاب نفر سوم تهران شد و یک میلیون و خرده‌ای رأی آورد و شما جایگاه ندارید. اول انقلاب تا الان تفاوت‌های زیادی دارد، شور و نشاط اول انقلاب الان نیست. همین ۸ سال دولت روحانی، کفایت می‌کند. همین میزان هم مردم پشای صندوق می‌آیند من تعجب می‌کنم و می‌گویم خدا پدر این مردم را بیامرزد. من طبق قواعد دموکراسی انتخابات رأی آوردم. همین الان ما در مجلس نماینده‌ای داریم که با ۵هزار رأی آمده است. باید بگوییم تو الان اینجا چه کار می‌کنی؟

«در باره چشم‌انداز آینده و دیپلماسی ایران صحبت کنید...

زیدآبادی: اگر می‌گوئیم دموکراسی، یعنی همه شهروندان از حقوق برابری برخوردار هستند. اینکه فیلترهایی بگذارید و افراد را به خاطر اعتقادات‌شان کنار بگذارید و بگویید از میان اینها انتخاب کنید، دلسردی به وجود می‌آورد و در این روند خیلی‌ها حذف شدند. نکته بعدی اینکه یکسری فرصت‌های مهم از ایران گرفته شده است. در مراحل مختلفی مای توالتستیم از ابزارهایی که داشتیم و برای کشور مفید بود. استفاده کنیم اما از دست رفته است. مشکل این است که وضعیت اضطرار است و شما در وضعیت اضطرار نمی‌توانید مثل شرایط عادی عمل کنید. ما که منتقد هستیم و خارج از سیستم هستیم، حرف هم بزنیم می‌گویند غرب‌زده و غرب‌گذا هستید. شما که در قدرت هستید باید راه‌حل بدهید. با وضعیت فعلی می‌خواهید بحران را بخوابانید یا تشدید کنید؟ اگر می‌خواهید تشدید کنید عواقبش روشن است. دوباره ممکن است جنگی در بگیرد و در این جنگ دوم ممکن است منابع زیربنایی شما را بزنند و مردم دیگر تحمل نداشته باشند و اتفاقاتی بیفتد که خیلی خطرناک باشد. یامی خواهید راه‌حلی برای آن پیدا کنید؟

رسایی: در شرایط فعلی، یکی از کارهایی که باید انجام دهیم این است که حضورمان در منطقه را بنیاید کم‌رنگ کنیم. مردم با تمام وجود لمس کرده‌اند که امنیت این کشور، به حضور ما در منطقه پیوند خورده است. ما حضور در منطقه را از دست بدهیم، مساوی با از بین رفتن امنیت این کشور خواهد بود. متن قانون اساسی است که ما وظیفه داریم از اینها دفاع کنیم و امنیت خودمان را هم به این وسیله تأمین می‌کنیم. درباره مذاکره با آمریکا، من می‌گویم شما به نتیجه نمی‌رسید. الان که اصلاً هر شکل از مذاکره غلط است چون طرف با زبان تهدید حرف می‌زند. برای آینده دیپلماسی ایران، به‌هیچ‌وجه مذاکره با آمریکا به نفع ما نیست و غلط است. مشکلات خیابان، محصول عدم حرف زدن با آمریکا نیست. ۸ سال شما حرف زدید، کرش کردید اما حل نشد.

زیدآبادی: اینکه می‌گویند مردم حضور منطقه‌ای ایران را می‌خواهند، شما به خیابان بروید و از هر کسی که می‌خواهید بپرسید. همه معترض هستند که در حالی که ما اینجا دچار تورم و فقر و گرانی هستیم، چرا پول‌ها آنجا خرج شد؟ اولاً کدام پول هنگفت دست ایران است که بخواهد هزینه کند و خرج تسلیحات کند. بحث سر این است که چیزی که شما می‌گویید محور مقاومت است را چطور می‌خواهید تقویت کنید؟ به لحاظ مالی که نمی‌توانید، می‌خواهید تسلیحات بفرستید که سوریه از بین رفته است. همین غزه، فرض کنیم که می‌خواهید حماس را تقویت کنید. حماس که الان دودستی چسبیده که آتش‌بس را حفظ کند. اسم آتش‌بس که مقاومت نیست. لبنان را نگاه کنید. لبنان از چه راهی می‌خواهید سلاح برسانید؟ آنجا که تحت فشار داخلی و بین‌المللی است. روی حشدالشعبی هم که فشار است. بقیه کشورها صاحب و مردم دارند، عرق ملی دارند، نمی‌گذارند که تو بروی و این کار را انجام دهی. بعد اینکه، اگر ایران اینطور عمل کند، کدام کشور حاضر است کمک کند؟ جنگ ۱۲ روزه را دیدیم. روس‌ها کمک کردند؟ چینی‌ها کاری کردند؟ یک حرفی زده بودند که ما با باید عربستان را بزنیم که همه حالی‌شان بشود. پاکستانی‌ها پیغام داده بودند که سمت عربستان بروید ما مجبور می‌شویم با شما بجنگیم. بحث بر سر این است که ایشان باید بگوید که حالا باشد یا آمریکا مذاکره نمی‌کنیم، راه دیگر چیست؟

رسایی: من تعجب می‌کنم آقای زیدآبادی حتی [آمریکا] وسط مذاکره، می‌زرا با موشک زده، حاضر است توجیه کند، اما حضور ایران در منطقه را تخطئه می‌کند. اگر ما با همین وضعیت فعلی نمی‌توانستیم کاری

در صورت تمایل به دریافت نسخه چاپی، با شماره ۰۲۱-۸۸۸۸۸۸۸۸ تماس بگیرید.

کنیم، چرا باید یکی از شروطین این باشد که شما نباید در منطقه حضور داشته باشید؟ بله، نسبت به قبل از دولت آقای پزشکیان ما وضعیت‌مان خیلی بغرنج شده است.

زیدآبادی: چرا آقای پزشکیان را می‌گویی؟

رسایی: برادر من این اتفاقات دوره آقای پزشکیان افتاده است.

زیدآبادی: داستان از زمان آقای رئیسی شروع شده است.

رسایی: دولت سوریه مگر زمان آقای رئیسی سقوط کرد؟ وقتی رئیس‌جمهور تان می‌رود و در آمریکا می‌گوید ما حاضریم سلاح‌هایمان را زمین بگذاریم، اسرائیل هم سلاح‌هایش را زمین بگذارد، توقع دارید چه اتفاقی بیفتد؟ وقتی در مراسم تحلیف می‌گوید با دوستان مروت، با دشمنان مدارا، توقع دارید دشمن چه کار کند؟ معلوم است، می‌گوید بهترین موقعیت برای زدن است.

زیدآبادی: یعنی مقصر این دو کلمه‌هاست؟

رسایی: بله، این دو کلمه حکایت از یک رویکرد دارد. وقتی طرف در همان ماه‌های اول می‌گوید حرف‌الله به تنهایی کاری نمی‌تواند کند؛ یک روز بعد از همان حرف سیدحسن را می‌زنند. آدمی که آنجانشسته مثل شما به‌فصله‌ها نگاه نمی‌کند. نگاه می‌کند که در دولت چه افرادی هستند. شما که بیرون دولت حامی ایدئولوژیک هستید، بدتر از آنها هستید. طبیعی است که این اتفاقات بیفتد.

زیدآبادی: دوره احمدی‌نژاد، این همه با همین زبانی که ایشان می‌گوید، صحبت کرد. ترسیدند؟ تحریم نکردند؟ قطعنامه صادر نکردند؟ دوره آقای رئیسی از همین زبان استفاده می‌شد، مگر فرماندهان ایران را در سوریه نزدند که وعده صادق یک‌اجرا کردند؟ مگر به حرف است. من برخی از حرف‌های آقای پزشکیان را در چارچوب خودم منطقی نمی‌دانم اما اینکه آمد گفت تو سلاح‌هایت را زمین بگذار، من هم زمین می‌گذارم؛ منطقی‌ترین حرف بود. آن مشروط به شرطی می‌کند که غیرممکن است. همین را گرفته‌اند و همه مشکلات را گردن رئیس‌جمهور می‌اندازند که همه می‌دانند محدود است. در سیاست منطقه‌ای هیچ‌وقت دولت‌ها به آن صورت دخالت نداشتند. من گفتم از این به بعد می‌خواهید چه کار کنید؟ عدم مذاکره با آمریکا یعنی اعمال فشارهایی که الان صورت می‌گیرد. باید ببینی مردم در این شرایط چقدر تاب می‌آورند. باید راه پیدا کنید.

رسایی: من خواهم می‌کنم به آمارها مراجعه کنید. تا قبل از دولت روحانی و برجام، تعداد تحریم‌هایی که شده بودیم ۸۰۰ مورد بود، بعد از دولت آقای روحانی، به ۱۸۰۰ مورد رسید. باید دید رویکرد شما چگونه است. تورم نقطه به نقطه در مواد غذایی در دولت روحانی که آن همه کرش کردند، تورم را از ۶۰ درصد به ۸۵ درصد رسید.

زیدآبادی: اتفاقاً دوسالی که برجام در دستور کار بود، همه اینها کاهش داشت. آمارها روشن است.

رسایی: شما وقتی صلح می‌خواهید، باید آماده جنگ باشید.

زیدآبادی: با کدام امکانات؟

رسایی: با کدام امکاناتی که داریم. موشک را شما باید داشته باشید. این بحث از آقای ظریف شروع شد، بعد آقای ربیعی آمد گفت سوخت موشک‌ها را به رضایت مردم گره بزنیم. اگر رضایت مردم مهم است، آقایان وقت بگذارند. دوگانه موشک با مردم، یک هفته است حرف اول آقایان شده است. ما با همین موشک‌ها کاری کردیم که درخواست کنند که دیگر زنیهم را به توان داخلی است. من قبول دارم اشکال وجود دارد. نباید کسانی را در جایگاه اجرایی بگذاری که طرف حوصله شنیدن حرف متخصص را نداشته باشد، **زیدآبادی:** اینها را که تأیید صلاحیت نمی‌کنند. شما برو با رئیس‌جمهور صحبت کن، بگوید چندنفر تأیید نشدند.

رسایی: کشور قانون دارد...

زیدآبادی: همین را شما وضع کرده‌اید...

رسایی: شما با همین قانون آمده‌اید. شما قائل به این هستید که بدون هر شرایطی هر کسی که رسید بیاید. همین الان یک جست‌وجوی ساده کنید، در همه کشورهای دنیا بر انتخابات‌هایشان نظارت می‌کنند و شاخص دارند.

زیدآبادی: اصلاً اینطور نیست. طرف در ترکیه زندان است و کاندیدامی‌شود.

رسایی: در ترکیه کودتا شد. بعد از اینکه اردوغان توانست کنترل کند چه بر خوردی با معترضان شد؟ در انتخابات‌های ترکیه آیا نظارت بر کاندیداها وجود دارد یا ندارد؟

زیدآبادی: نظارت شورای نگهبان است که همه را حذف کند؟ می‌گویم طرف زندان است و کاندیدا شده است.

رسایی: در آلمان، اتریش، بلغارستان، سوریه، فیلیپین و قرقیزستان یک چیزی به نام دادگاه قانون اساسی وجود دارد که نهاد ناظر بر انتخابات است. براساس ضوابط خودشان در می‌کنند.

زیدآبادی: من می‌خواهم در انتخابات با شما رقابت کنم، چرا باید شما تأیید شوید و من در شوم؟

رسایی: من که نمی‌دانم. بر حسب ظاهر، شما خیلی شفاف است که برخی از اصول قانون اساسی را قبول ندارید. وقتی شما قبول نداشته باشید برای چه باید اجازه بدهم؟

زیدآبادی: همه شهروندان حقوق برابر دارند. نمی‌شود که یک نفر از همه حقوق محروم باشد و یک نفر آزاد باشد. این تبعیض‌آمیز است. همه به قانون التزام دارند اما اعتقاد چیز دیگری است.

«در حد یک دقیقه جمع‌بندی کنید...

زیدآبادی: من فکر می‌کنم در موقعیت بغرنجی کشور قرار گرفته و سایه جنگ وجود دارد. این روی دوش آقایان است و ما که کاره‌ای نیستیم. این سیاست قابل تداوم نیست، می‌گویید هست؛ همین را ادامه دهید. **رسایی:** مشکلات ضمنی کشور به فشارها، تحریم‌ها، تخاصم ربط دارد ولی من قائل به این نیستم که اکثر مشکلات به این دلیل است. من اعتقاد دارم که اگر مدیران کاری، سالم و توانمند انتخاب شوند و به قانون پایبند باشند و منافع ملی را در نظر بگیرند و به مبارزه با مفسدین بپردازند؛ بخش عمده‌ای از مسائل حل خواهد شد. در خصوص امنیت، سرمایه‌گذاری در منطقه و مسائل دفاعی، امنیت را تضمین خواهد کرد.

سیاستمداران



نامه به ترامپ

لطف‌الله میثمی، فعال ملی - مذهبی در نامه‌ای خطاب به دونالد ترامپ نوشته است: «پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ علیه دولت دکتر محمد مصدق، نخست‌وزیر منتخب و محبوب بود که من به‌تدریج خوش‌بینی‌ام را نسبت به آمریکا از دست دادم. متوجه شدم که شرکت‌های فراملیتی نفت و اسلحه که آقای آیزنهاور آن‌ها را مجموعه نظامی- صنعتی می‌نامید، علاقه‌ای به ملیت و تمامیت ارضی ما ندارند و هدف‌شان فقط استخراج نفت و معادن و در مقابل فروش اسلحه به‌منظور جنگ و سرکوب است.» در ادامه نامه آمده است: «آقای ترامپ! باعث شگفتی است که چرا آمریکا که خود را یک ابرقدرت دموکراتیک می‌داند، عظمت و بزرگی خود را از دست می‌دهد و تبعیت خود به خودی از دولتمردان اسرائیل و لابی صهیونیسم را انتخاب می‌کند؟» او همچنین نوشته است: «سی سال پیش هم نتانیاهو تنها راه مقابله با تروریسم را بمباران ایران می‌دانست. این خط و نشانی که اسرائیل برای آمریکا ترسیم کرده و به‌صورت چشم‌انداز آینده آمریکا درآمده، آیا چیزی جز خسران هم در برداشته است؟» میثمی آورده است: «آقای ترامپ! شما نیک می‌دانید که نتانیاهو سعی کرد قوه مجریه را بر قوه قضائیه حاکم گرداند و مردم اسرائیل چهل هفته روزهای شنبه علیه این اقدام او تظاهرات کردند و حتی ارتش اسرائیل نتانیاهو را متهم کرد که او اولویت امنیتی اسرائیل را به اولویت سیاسی تبدیل کرده است. نتیجه‌آن شکافی بود که به وجود آمد و حصار فرصت را مغتنم دانست و یازده پایگاه اسرائیل را تصرف کرد. نتانیاهو باید در دادگاه به این اتهام پاسخ بدهد، ولی او جنگ‌ها را این قدر بی‌پایان می‌کند که چنین پاسخی ندهد.»

او آورده است: «آقای ترامپ! این راهی که می‌روید راه احیای عظمت آمریکا نیست، راهی است که به منفور شدن آمریکا نزد جهانیان می‌انجامد، به همان شکلی که اسرائیل اکنون منفور جهانیان شده است. آقای ترامپ! شما می‌دانید که فرقه اردتوکس حاکم بر اسرائیل اراده کرده است ملت فلسطین را محو کند، کما اینکه شما ملت نخستین آمریکا (سرخ‌پوست) را در آمریکا محو کردید. یک روز بعد از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ یل کلینتون رئیس‌جمهور اسبق گفت اتفاقی که در ۱۱ سپتامبر افتاد درواقع تاوان کاری است که ما با سرخ‌پوست‌های آمریکا انجام دادیم. در پی این سخنان رئیس اسبق سازمان سیا آقای جیمز وولسی به کلینتون گفت درست است که آزادی بیان وجود دارد، ولی انتقادی چنین بنیادی درست نیست. آقای بیل کلینتون درباره شما هم گفته است در تاریخ رؤسای جمهور آمریکا سابقه ندارد که یک رئیس‌جمهور به مردم پایتخت کشوری بگوید آنجا را تخلیه کنید، آن هم هم‌زمان با حملات مرگبار اسرائیل. تخلیه یعنی قرار است که جنگ کیفی مانند جنگ اتمی رخ دهد. این عملکرد خودتان را احیای عظمت آمریکا می‌نامید؟ به نظر می‌رسد عملکرد شما در بستر تضادی است که از یک‌فلسوفستین جهانی و از سوی دیگر اسرائیل جهانی قرار دارد، به‌طوری که فلسطین جهانی در راستای بالندگی و اسرائیل جهانی افول یابنده است. بنابراین نگرانی شما از آنجاست که ۷۷ سال است که عملکرد اسرائیل را تأیید کرده‌اید و حالا ملاحظه می‌کنید که دفاع از اسرائیل ضربه و حتی شکستی برای تمدن غرب بوده است. محو ملت فلسطین مانند ملت نخستین در آمریکا نیست. در عصر رسانه‌های جمعی، همه جنایات اسرائیل با عکس و زیرنویس آن به زبان‌های مختلف مخابره می‌شود.»

او در پایان آورده است: «آقای ترامپ! یک وقتی استراتژی آقای ریگان به‌ظاهر تعمیم دموکراسی در دیگر کشورها بود. حالا شما به تعمیم و گسترش فرقه‌گرایی اشغالگر به نام یهود دست می‌زنید و از توسعه‌طلبی اسرائیل بزرگ و محو ملت فلسطین حمایت می‌کنید. با این عملکرد افکار عمومی دنیا را علیه خود، اسرائیل و لابی اسرائیل در جهان بسنج کرده‌اید که دیری نمی‌پاید با ادامه نسل‌کشی و اصرار بر محو هویت فلسطین از یک‌طرف و آنچه در فردو انجام دادید و شبیه اقدام ترومن در هیروشیما نامیدید از طرف دیگر، گفتمان مظلومیت فلسطین جهانی بر گفتمان اشغالگری و تبعیض نژادی و محو قومیت فلسطین علیه خواهد کرد. عقل سلیم و انصاف ایجاب می‌کند که این راه را ادامه ندهید که راه نفرت جهانیان علیه شما و اسرائیل خواهد بود آخرین اقدام شما و اسرائیل بمباران بی‌رحمانه به گروه فلسطینی‌ای بود که پیشنهاد صلح شما را در قطر بررسی می‌کردند. این وضعیت یادآور جمله معروف کیسینجر است که گفته بود دشمنی با آمریکا خطرناک و دوستی با آمریکا مرگبار است.»